

سکل خود را مهندی و زیوج جفت

میخواهی از است و سایر کاری

که بگیری که بگیری

فقط چنانست که بگیر و عذر نداشتن

که بگیری که بگیری

فقط چنانست که بگیر و عذر نداشتن

که بگیری که بگیری

فقط چنانست که بگیر و عذر نداشتن

که بگیری که بگیری

فقط چنانست که بگیر و عذر نداشتن

که بگیری که بگیری

فقط چنانست که بگیر و عذر نداشتن

که بگیری که بگیری

شَوَّدْمِيمْكِي است و خون القلبي التي غام

أَصْبَحَ الْمُكْثِرَ مُسْتَقْلَ لِلْمُلْكِ بِجَاهِ الْمُكْثِرَ نَازَ

بازسنجش باست و سعی بیشتر و خنثیت

شنبه
چن و آمان و ای وقت و چندان بود

مَدْرَسَةِ الْجَامِعِ الْأَمْرَاءِ وَمَقْبَلَةِ صَنْعَاءِ وَشَانِ

۷۴

میتویی شد و خدا حافظ

ای عورود و عورشیدان حاضر

و خیره شده داشت

پنجه نهاد و طلحه نایز بین

که این کسی نیست

خوشید عورده شکوفه هضرت